



چهارم خرداد ۱۳۰۷ شمسی، در دارالمؤمنین شوشتر، در خانواده‌ای روحانی و سرشناس فرزندی مبارک دیده به جهان گشود که نام وی را سیدعلاالدین گذاشتند.

پدر بزرگوارش بنام سیدمحمد حسن، از سلسله سادات جزایری می‌باشد که همگی از علمای شناخته شده و منشاء آثار و برکات فراوانی در حوزه‌ی علوم و معارف اسلامی بوده‌اند، وی که از روحانیون مشهور و نافذ شوشتر بود در میان اهالی منطقه به «پیشنماز»، «منش آقا» و «منش آحسن» شهرت داشت و تا آن اندازه مورد اعتماد مراجع بزرگ زمانش بود که آیت حق علامه سید ابوالحسن اصفهانی (قدس سره) اجازه‌ی امور حسبیه، گرفتن و مصرف وجوهات شرعیه را در آن سامان برایش صادر نمود. مادر سید علا نیز از سادات جزایری و از خانواده‌ای بود که همگی عالم و مروج علم و ادب بوده و به «معلم» شهرت داشته‌اند.

سیدعلاالدین در منطقه‌ی خوزستان بدنیا آمد، منطقه‌ای که با مردم خون گرم و نجیب‌اش، همواره با راهبری و راهنمایی علمای دینی و مراجع بزرگی چون شیخ مرتضی انصاری، علامه کبیرسید نعمت … جزایری، سیدعلی شوشتری ، شیخ جعفر شوشتری و آیات عظام میرسیدعلی بهبهانی، سیدمحمدحسین ای طبیب، سیدمحمدجعفر مروج سیدمحمدموسوی جزایری، علامه شیخ محمد تقی شوشتری، شیخ محمدکرمی، اعلی … مقامهم در فراز و نشیب‌ها، تلخی‌ها و شیرینی‌ها، راه سعادت و رستگاری را بخوبی پیدا کرده و ولایت‌مداری و تبعیت آنان از چهارده معصوم علیهم السلام سبب شد که بحق، این دیار «دروازه‌ی تشیع» نام گیرد.

او در شوشتر چشم دنیا گشود سرزمینی که با توجه به قدمت چهار هزارساله و ایمان بالا و والای مردمش، آن را دارالمؤمنین و نیای سرزمین ایران می‌خوانند. *شجره‌ی نسب سیدعلاالدین با هفت واسطه به علامه‌ی کبیر و محدث نامدار شیعه سید نعمت… جزایری می‌رسد. وی از علمای قرن یازدهم و دوازدهم هجری شمسی و سراسلسله‌ی سادات جزایری می‌باشد.هم چنین نسب ایشان با سی و دو واسطه به امام موسی بن جعفر علیهما السلام متصل می‌گردد.

دوران کودکی و اوائل نوجوانی سید عزیز در مکتب خانه‌های قدیمی بنام «دیسون» به فراگیری ادبیات ، قرآن احکام شرعی، خوشنویسی و علوم ابتدائی سپری گردید. در پانزده سالگی با تشویق پدر بزرگوارش مسیر طلبگی را انتخاب نمود و وارد حوزه‌ی علمیه‌ی شوشتر شد. به دلیل اخلاق نیکو و تلاش سید علاالدین برای فراگیری علوم رایج حوزه و شرکت فعال در مدرسه ، مورد علاقه و اعتماد علما و اساتید قرار گرفت. برای طلاب جدید درس می‌گفت و از همان ابتدا، علاوه بر آموزش علوم، با اخلاق و رفتارش، علم و عمل را به آنان می‌آموخت.

فعالیت فرهنگی و اجتماعی ایشان با پذیرفتن برگرزاری نماز جماعت در مسجد التبی(نام قدیمی آن میرزا هادی یا میدان بود) شوشتر از ۱۸ سالگی و سپس با ازدواج و تشکیل خانواده در ۲۲ سالگی وارد مرحله‌ی جدیدی گردید. رفتار و

۱۰ نور خوزستان

فرهنگ و هنر

نگاهی گذرا به زندگانی حجت الاسلام و المسلمین حاج سید علاالدین سید موسوی جزایری رضوان ا … تعالی علیه

کرده بود و نمی توانست او را از راه روشن آینده‌اش باز دارد و ایشان مصمم بر ماندن در نجف و کسب علم از محضر مراجع بزرگ و علما این حوزه بود.

اما تقدیر الهی بگونه‌ی دیگری رقم خورده بود، بیماری همسر مکرمه، دلسوز و بردبارش در اوایل سال ۱۳۳۶ سبب شد تا در تابستان همین سال برای پیگیری درمان و معالجه‌اش به ایران بازگشت نماید.

پس از مراجعت به شوشتر، از معالجات نتیجه‌ای حاصل نشد و همسر ایشان درمهرماه دار فانی را وداع گفت. تحمل این حادثه‌ی تلخ و ناگوار برای سید عزیز بسیار سنگین بود و در این باره دو بیت شعر دارد که حاکی از غم فقدان یار و همسر با وقایش می باشد .

ایشان پس از مدت کوتاهی از درگذشت همسرش، در آذرماه ۱۳۳۶ همراه با دو فرزندش مجدداً عازم نجف اشرف گردید.

اما اداره زندگانی خانوادگی با دو فرزند و بدون وجود مادر برای پدر، فوق‌العاده سخت بود، به همین دلیل با مقدماتی که از طرف پدر بزرگوار و بستگانش برای ازدواج مجدد ایشان در ایران فراهم گردید، سید علاالدین در اسفندماه همان سال از نجف به شوشتر عزیمت نموده و در فروردین سال بعد با بانوی جوان و فداکاری از سادات جزایری که بعنوان همراز و همراه در زندگی‌اش انتخاب شده بود، ازدواج نمود.

با توجه به اشتیاق ایشان به زندگی در نجف اشرف و اهمیت دادن به حضور در جلسات درس مراجع و اساتید و بهره برداری از محضر آنان ، بعد از سپری شدن زمانی کوتاه از ازدواج مجددش، همراه با همسر جدید و دو فرزندش در نیمه‌ی دوم خرداد ۱۳۳۷ به نجف بازگشت.

عشش طلبه‌ی جوانی مانند سیدعلاالدین را «جلسات درس و مباحثه» در کنار «دعا، زیارت و توسل به جدش امیرالمؤمنین» فرو می نشاند، لذا در مصاحبه‌ای خطاب به طلاب جوان اظهار می‌دارد: «توصیه‌ی من به طلاب این است تا می‌توانند به دعاها اهمیت دهند، دعای توسل بخوانند، زیارت عاشورا بخوانند و سعی کنند برانده‌ای منظم برای خواندن دعاها داشته باشند. طلاب عزیز در کنار جدیت برای فراگیری دروس، با دعای توسل، زیارت عاشورا جامعه‌ی کبیره و زیارت امین …انس بگیرند».

و البته آقا سیدعلاالدین این نکته را خوب می دانست که درس و بحث و این کلاس و آن استاد به تنهایی نمی‌تواند انسان را نجات دهدا . و ای بسا که گاهی همین تلاش‌ها برای کسب علوم، خود ججایی برای موفقیت و مانعی برای رستگاری انسان شودا.

از درس و بحث و مدرسه‌ام حاصلی نشد

هرچه فراگرفتم و هرچه ورق زدم

چیزی نبود غیر ججایی پس از حجاب امام خمینی قدس سره(ازل دریا و سراب) همسر مکرمه اش در این باره می‌گوید: «هر روز صبح حاج آقا برای مباحثه‌ی درس‌شان که بعد از نماز صبح بود بیرون می‌رفتند. تا ظهر مشغول درس و مباحثات‌شان بودند، پس از نماز ظهر به منزل می‌آمدند. بعد از صرف نهار و استراحتی مجدداً برای درس و مباحثه می‌رفتند و بعد از نماز عشا به منزل می‌آمدند. این کار هر روز ادامه داشت و حاج آقا هر سه نوبت نمازشان را در حرم می‌خواندند. تقدیاتی هم برای خودشان داشتند. هم به نماز شب و تهجد اهمیت می‌دادند و هم به زیارت حرم‌های نجف، کربلا، کاظمین و سامرا که برای ما دوستان و گاهی خانوادگی می‌رفتند».

در مدت حدود نه سال اقامت ایشان در نجف اشرف (۱۳۳۳ تا ۱۳۴۲) بصورت غیر متوالی) از محضر اساتیدی